

علم أصول الفقه

٢١-١٢-٩٠ مبادئ مختص تصديقي ٦٢

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

عصمت و آیات قرآن

- در تمسک به آیات قرآن برای اثبات عصمت انبیا، باید در مرتبه‌ی قبل عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله، را در دریافت و ابلاغ وحی پذیرفته باشیم. زیرا خود این آیات از مواردی است که به حضرت وحی شده است.
- بنابراین قبل از استناد به آنها، باید بپذیریم که آنها وحی‌اند و خطایی در آنها رخ نداده است. بدون اثبات چنین مطلبی تمسک به آنها معنا ندارد. به عبارت دیگر حجیت این آیات مرهون عصمت پیامبر در تلقی و ابلاغ است.

عصمت و آیات قرآن

- با این وصف آیات قرآن دلیل مستقلى بر عصمت در تلقى و ابلاغ وحى به شمار نمى آیند و فقط تأییدی بر آن خواهند بود. بله اگر آیه‌ای در مورد عصمت پیامبر از خطا و نسیان داشته باشیم، می‌توانیم به آن آیه برای اثبات مطلب فوق بهره بگیریم.

عصمت و آیات قرآن

- ما در اینجا آیاتی را که علامه طباطبائی در این مورد ذکر کرده‌اند، بیان می‌کنیم و در نتیجه‌ی بررسی این آیات واضح می‌گردد که افزون بر توقف حجیت این آیات بر عصمت نبی خاتم در تلقی و ابلاغ وحی، در تمسک به برخی از این آیات نیازمند تکمیل و تتمه‌ی عقلی نیز هستیم.
- ما مستقیماً نمی‌توانیم از خود آیات بدون استفاده از نکاتی که از عقل به دست می‌آوریم، عصمت انبیا علیهم السلام را نتیجه بگیریم.

عصمت و آیات قرآن

- از سوی دیگر آیاتی وجود دارد که احیاناً با یک نگاه ابتدایی عدم عصمت از آنها برداشت می‌شود؛ اگرچه با نگاه دقیق عدم تنافی آنها با عصمت آشکار می‌گردد.
- اگر دلیل عقلی بر عصمت وجود نداشته باشد، در تمسک به آیات قرآن با مشکل مواجه خواهیم شد.
- از این رو، همان طور که قبلاً نیز گفتیم، مهم‌ترین دلیل بر عصمت، دلیل عقلی است.

عصمت و آیات قرآن

- نکته‌ی دیگر که قبل از پرداختن به آیات قرآن در این زمینه لازم به ذکر است، میزان دلالت این آیات است. علامه طباطبائی معتقد است که آیات قرآن عصمت انبیا را در سه چیز بیان می‌کند: ا. عصمت در تلقی وحی، ب. عصمت در ابلاغ وحی، ج. عصمت از عصیان. ظاهر این بیان، عدم امکان استفاده از آیات قرآن برای عصمت انبیا از خطا و نسیان است. اما همان طور که در بررسی آیات مشخص می‌شود، می‌توان از آنها عصمت انبیا را به طور کلی استفاده نمود.

عصمت و آیات قرآن

- تعابیر وارد در روایات نیز که بیانگر عصمت پیامبران و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام است، فقط مؤید دلیل عقلی می‌باشد. فرموده‌ی حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ی قاصعه (۱۹۲) از جمله‌ی این تعابیر است. امام در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «و لقد قرن الله به صلی الله علیه و آله من لدن ان كان فطيماً اعظم ملك من ملائكة يسلك به طريق المكارم»؛ [رسول اکرم صلی الله علیه و آله، از همان دوران نوزادی توسط فرشته‌ای مخصوص محافظت می‌شده است]. این تعبیر بیانگر آن است که پیامبر از همان ابتدا از نوعی صیانت و حفاظت برخوردار بوده است. در زیارت وارث نیز می‌خوانیم: «كنت نوراً في الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة». یعنی اهل بیت علیهم السلام اضافه بر این که خود از هر خطا و گناهی مبرا هستند، اجدادشان نیز پاک و مطهر بودند و همین طهارت اجداد زمینه‌ی طهارت نفس و عصمت آنها را مهیا ساخته است.

عصمت و آيات قرآن

- . ربك: محمد حسين طباطبائي، الميزان، ج ٢، ص ١٣٨، مبحث «كلام في عصمة الانبياء».

آيات دال بر عصمت

- أ. «فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغياً بينهم فهدى الله الذين آمنوا لما اختلفوا فيه من الحق باذنه» . بقره، ٢١٣.

آیات دال بر عصمت

- [پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب (خود) را به حق فرو فرستاد، تا میان مردم به آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که (کتاب) به آنان داده شد - پس از آن که دلایل روشن برای آنان آمد - به خاطر ستم (و حسدی) که میانشان بود، (هیچ کس) در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد].

آیات دال بر عصمت

- علامه طباطبائی می فرمایند: از این آیه استفاده می‌کنیم که غرض خداوند از ارسال رسل، هدایت مردم به سوی اعتقادات و اعمال حق بوده است.
- از آن سو، خداوند در جایی دیگر از قرآن فرموده: «لایضل ربی و لاینسی» طه، ۵۲. [خدا گرفتار گمراهی و نسیان نمی‌شود]. با ضمیمه‌ی این آیه، به آیه‌ی قبل نتیجه می‌شود که خداوند آنچه را بخواهد انجام می‌دهد و هدایت مردم را به شیوه‌ای که غرضش حاصل گردد، تحقق می‌بخشد. تحقق این امر فقط در صورتی ممکن است که پیامبر در تلقی و ابلاغ وحی معصوم باشد.

آیات دال بر عصمت

- تمسک علامه به آیه، چیزی جز دلیل حکمت به بیان ابتدایی اش نیست: غرض خداوند از ارسال رسل، بیان دین حق است و تأمین این غرض با مصون بودن شخص گیرنده‌ی وحی از خطا و نسیان و عصیان حاصل می‌گردد.
- به عبارت دیگر آیه به دلیل حکمت در حد عصمت انبیا در تلقی و ابلاغ وحی اشاره کرده است.

آیات دال بر عصمت

• ب. عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (۲۶) إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (۲۷) لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَ أَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَ أَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (۲۸) الْجَن ۲۶-۲۸

• [دانای نهران است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند، جز پیامبری را که از او خشنود باشد، که (در این صورت) برای او از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت، تا معلوم بدارد که پیام‌های خود را رسانیده‌اند؛ و (خدا) بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است].

آیات دال بر عصمت

- این آیه بیان می‌کند که خداوند پیامبرانش را در دریافت و ابلاغ وحی حفظ می‌کند تا گرفتار خطا و لغزشی نشوند و پیام را درست به مردم برسانند. بنابراین بر عصمت پیامبران در دریافت و تلقی وحی دلالت دارد.

آیات دال بر عصمت

- نظیر این مضمون در آیهی «وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» مریم ۶۴
- [و (ما فرشتگان) جز به فرمان پروردگارت نازل نمی‌شویم. آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان این دو است، (همه) به او اختصاص دارد، و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده است]، نیز بیان شده است.

آیات دال بر عصمت

- علامه بعد از ذکر این آیات که دال بر عصمت انبیا در تلقی و ابلاغ وحی هستند، می فرمایند: می توان با انضمام نکته‌ای، دلالت این آیات را توسعه داد تا عصمت انبیا از عصیان نیز از آنها فهمیده شود.

آیات دال بر عصمت

- آن نکته چنین است: عمل نوعی بیان است، وقتی انسان کاری را انجام می‌دهد، از خوب بودن آن خبر می‌دهد. پیامبری که پیام الهی را به مردم می‌رساند؛ اما خود ملتزم به انجام واجب یا ترک حرام نیست، بین عمل وی و گفتارش تناقض پیدا می‌شود. وقتی مرتکب فعل حرامی می‌شود، به خوب بودن آن اعتراف کرده است، در حالی که گفتارش مذموم بودن آن را بیان می‌نمود و وقتی واجبی را ترک می‌کند، قبیح بودن آن را معرفی کرده، در حالی که گفتارش محبوب بودن آن را اعلام می‌داشت. این ناسازگاری بین عمل و گفتار، امکان تبلیغ را از وی سلب می‌کند و دیگر نمی‌تواند مسئولیت خویش را به نحو کامل به انجام رساند. بنابراین برای این که غرض از ارسال رسل حاصل گردد، باید پیامبر اضافه بر عصمت در دریافت و ابلاغ وحی، نسبت به عصیان نیز معصوم باشد.

آیات دال بر عصمت

- توجه دارید که بیان علامه با آنچه در دلیل حکمت ذکر گردید، متفاوت است. بیان علامه صرفاً در مورد عصمت از عصیان می باشد در حالی که دلیل حکمت به آن اختصاص ندارد و شامل دو مورد دیگر یعنی عصمت از خطا و عصمت از نسیان نیز می شود.

آیات دال بر عصمت

- شاید علت این که علامه دلیل خویش را منحصرأ در مورد عصیان مطرح می‌کند، این باشد که اگر کسی چیزی را از روی خطا یا نسیان انجام دهد و مردم متوجه شوند که او به خطا یا نسیان چنین کرده است یا اگر به خطا یا نسیان مطلبی را بگوید و در عمل به خلاف آن عمل کند، بین رفتار و گفتار او تناقضی نیست؛ آنچه به خطا و نسیان رخ داده، از روی عمد نبوده است. اما اگر عاصی باشد، با علم و عمد به انجام کار اقدام می‌نماید، در نتیجه بین گفتار و رفتار او تناقض است؛ گفتار او چیزی می‌گوید و رفتارش چیز دیگر.

آیات دال بر عصمت

- محور بحث در دلیل علامه بر همین نکته‌ی گویا بودن یک فعل استوار است. هر رفتاری بیانگر چیزی است. انجام فعل بیانگر ممدوح بودن آن نزد صاحب عمل و ترک آن بیانگر مذموم بودنش؛ و فعل ناشی از خطا و نسیان، در صورتی که حیثیت خطا یا نسیان بودنش واضح باشد، چنین خصوصیتی ندارد.

آیات دال بر عصمت

- در حالی که در دلیل حکمت بحث بر اعتماد مردم است. واقعاً به چه کسی اطمینان می‌کنند؟ کسی که در حوزه‌ی رفتارهای قابل تشخیص برای مردم، دچار عصیان، نسیان یا خطا می‌شود، چگونه می‌تواند در حوزه‌ی رفتارها و گفتارهایی که برای مردم قابل تمییز و تشخیص نیست، مورد اعتماد باشد؟ ادعای پیامبری در صورتی مورد تصدیق قرار می‌گیرد که مدعی از عصیان و نسیان و خطا مبرا باشد. از این رو دلیل حکمت عصمت از عصیان و خطا و نسیان را می‌تواند ثابت کند.

آیات دال بر عصمت

- ج. «اولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده» الانعام ۹۰
- [اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن].
- در این آیه خداوند، هدایت انبیا را مستند به خود معرفی می‌نماید، از این رو، از ما می‌خواهد که به نحو مطلق به آنها اقتدا کرده، از هدایت آنها پیروی نماییم. این اطلاق امر که در حوزه‌ی خاصی مطرح نشده و همه‌ی گفتارها و رفتارهای آنها را در بر می‌گیرد، نشان می‌دهد انبیا در تلقی و ابلاغ وحی و نسبت به عصیان معصوم هستند.

آیات دال بر عصمت

- لازم به ذکر است که علامه طباطبائی در تمسک به این آیه می‌فرماید: از جمله آیاتی که بر عصمت انبیا به نحو مطلق دلالت دارد، آیهی «اولئک...» است. مراد او از دلالت به نحو مطلق به قرینه‌ی صدر بحث، عصمت در تلقی، ابلاغ و نسبت به عصیان است. چرا که علامه در صدر بحث عصمت انبیا فرموده بود: آیات قرآن، عصمت انبیا را در سه جهت (تلقی، ابلاغ، عصیان) می‌تواند اثبات کند. اگر آن صدر، قرینه‌ی این ذیل باشد، مراد از اطلاق در اینجا همان سه مورد است؛ به خلاف آیات پیش که فقط عصمت را در تلقی و ابلاغ اثبات می‌نمود و برای دلالت بر بیش از آن (عصیان) باید به دلیل عقلی تمسک می‌کردیم.

آیات دال بر عصمت

- حال اگر قرینیت صدر را به کناری نهیم و ما باشیم و این آیه، پیروی از انبیا را به نحو مطلق برداشت می‌کنیم و امر به پیروی مطلق، بیانگر این است که انبیا نه تنها گرفتار عصیان نمی‌شوند و در تلقی و ابلاغ وحی معصومند، بلکه گرفتار خطا و نسیان هم نمی‌شوند. چرا که گرفتاری به خطا و نسیان، مانع تمسک و پیروی از آنان به نحو مطلق می‌گردد. اقتدا کنندگان ممکن است به دلیل احتمال خطا و نسیان، در تأسی به رفتار و گفتار انبیا دچار تردید شوند و برخی اعمال و گفتار را بر همین مطلب حمل کنند.

آیات دال بر عصمت

- همان طور که مشاهده می شود این آیه و آیاتی مشابه آن که علامه در المیزان به آنها اشاره می کند، دلیل حکمت را به نوعی مطرح می کنند. البته علامه آنها را دال بر عصمت در سه چیز می داند و ما آن را به حوزهی عصمت از خطا و نسیان نیز توسعه می دهیم.

آیات دال بر عصمت

- ما از هدایت مستقیم الهی بی-بهره‌ایم، برای همین مأمور به اقتداییم.